

باثبات گردانیدن افغانستان: دو شور و هیجان در کنفرانس قلب آسیا

نویسنده: بهادر ا کمار

مترجم: رسول رحیم

منبع: ایشیا تایمز

کنفرانس قلب آسیا که در حال حاضر در ارتباط با با ثبات گردانیدن افغانستان در اسلام آباد جریان دارد، زمینه ارزیابی واقعیت جیو پولتیک منطقه را فراهم می سازد. هدف عمده این کنفرانس هم آهنگی منطقه یی از طریق تأمین امنیت، توسعه ارتباطات، زیر ساخت ها و تجارت و سرمایه گذاری می باشد.

حضور وزیران خارجه ده کشور در اسلام آباد – به شمول وزیران خارجه چین و هند- بیانگر اهمیت این همایش در سیاست منطقه یی است. سیاست خارجی کثیرالجهت پاکستان که ناظر بر یک نظم جهانی چندین قطبی در حال ظهور است، می خواهد این کشور را به مرکز هم آهنگی منطقه یی تبدیل کند. حقا که پاکستان از نقش یگانه ای در تلاش برای حل منازعه افغانستان برخوردار است و جامعه بین المللی بسیار طالب همکاری اش می باشد.

پاکستان گذرگاه استراتژیک را هم برای ابتکار «جاده و کمر بند» چین، و هم استراتژی «راه ابریشم جدید» ایالات متحد آمریکا فراهم می سازد. همکاری پاکستان برای حضور نظامی دراز مدت غرب در افغانستان حیاتی است، در حالی که مناسبات طولانی چین با پاکستان (که از نگاه تاریخی هند محور است)، یک مشخصه جهانی به خود گرفته است.

در عین زمان عضویت پاکستان در سازمان همکاری شانگهای به عین ترتیب بر استراتژیها منطقه یی ایالات متحد امریکا، روسیه و چین تأثیر می گذارد. تعامل درونی این عوامل متعدد بیانگر علاقه مندی فزاینده کشورهای منطقه و غربی به این کنفرانس در اسلام آباد است.

چین با جدیت از یک پروسه صلح افغانستان حمایت می کند، زیرا امنیت منطقه یی و ثبات برای انکشاف شین جیانگ و همچنان برای پیشروی گذرگاه اقتصادی چین- پاکستان نهایت مهم است که چین برای آن وعده یک سرمایه گذاری ۴۶ میلیارد دلاری داده است.

تأثیر جدی و فعال چین بر راهیافت پاکستان در قبال اوضاع افغانستان تأثیر داشته است که قبلاً متمرکز به هدف حصول «عمق استراتژیک» بود.

یک مشخصه محاسبه مجدد «بازی بزرگ» در آن است که دیالکتیک بین همکاری و رقابت، گاهی به حسادت و منازعه استحاله می کند. بنابراین قدرتهای بزرگ رقیب نیز به ضرورت نهایت مهم همکاری پاکستان در جنگ علیه گروههای تروریست و افراط گرا اعتراف می نمایند. چین و ایالات متحد امریکا مانند هم، گفت و گوهای صلح افغانستان را حمایت نموده و کابل و اسلام آباد را در این ارتباط ترغیب می نمایند.

انگیزه اصلی کنفرانس اسلام آباد آغاز دوباره تلاشها برای تجدید تنشج زدایی بین پاکستان و افغانستان بوده است، تابوتاند شروع مجدد گفت و گوهای صلح بین حکومت افغانستان و طالبان را تسهیل کند. نکته جالب توجه اینکه، گمانه های اخیر در مورد کشته شدن ملا اختر منصور رهبر طالبان، مانع سفر رئیس جمهور غنی به اسلام آباد نشد.

حضور دیپلماتهای ارشد چینی و آمریکایی در کنفرانس قلب آسیا شاید بتواند یک اندازه تقرب بین کابل و اسلام آباد به وجود آورد. با اینهم علامتهای سوالیه در مورد وحدت درونی طالبان وجود دارند. تا آن هنگامی که شایعه کشته شدن ملا منصور در یک جنگ درون گروهی انتشار یافت، این گمان پا می گرفت که رهبری وی در جنبش طالبان تحکیم یافته است.

همین طور، تنشها بین پاکستان و هند و سوطن دوجانبه این دو کشور نسبت به نیت همدیگر شان، مانع عظیمی را برای راه حل سیاسی در افغانستان به وجود می آورد. واشنگتن میزبان نواز شریف نخست وزیر پاکستان و جنرال راحل شریف لوی درستیز (رئیس ستاد ارتش) آن کشور بود و مذاکرات عمیقی در ارتباط با افغانستان انجام دادند. اخیراً رئیس جمهور بارک اوباما دست کم دوبار شخصاً از نارندرا مودی نخست وزیر هند تقاضا نموده است تا به گفت و گو با پاکستان پردازد.

حضور سوشما سواراج وزیر خارجه هند در کنفرانس قلب آسیا در اسلام آباد علامت آنست که مودی به این توصیه اوباما اعتنا کرده است بدون تردید مودی یک شاخه زیتون (افاده صلح خواهی) به شریف نشان داده است. این دو رهبر اخیراً در حاشیه کنفرانس تغییر اقلیم در پاریس مختصراً ملاقات کردند. گزارش های اولیه حاکی از آن اند که سواراج به اسلام آباد با یک برنامه عمل در جهت از سرگیری مذاکرات درجازه بین دو کشور رفته است. مودی که یک سیاستمدار زیرک است، می تواند پیش بینی نماید که دیدار تاریخی اش از پاکستان در نومبر سال آینده برای شرکت در کنفرانس سران دولتهای عضو «سارک» (اتحادیه همکاریهای منطقه یی جنوب آسیا)، بازتاب گسترده ای در ایالت اوتار پرادیش دارد که کانون حزب هندوگرای وی به شمار رفته و دارای جمعیت بزرگ مسلمانان می باشد. قرار است در اوایل سال ۲۰۱۷ در اینجا یک انتخابات مهم ایالتی صورت گیرد. همچنان یک عامل دیگر نیز در ذهن مودی سبک و سنگین می شود و آن عبارتست از آغاز رسمی پروژه پایپ لاین گاز بین ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند به روز شنبه، که از مدتهای طولانی به اینسو انتظار برده می شد. شریف و احتمالاً مودی نیز در این مراسم در عشق آباد شرکت خواهند نمود.

گروههای مالی قدرتمند هند که حزب مودی را تمویل می کنند، امیدوار اند در سطوح دوم و سوم پروژه «تاپی» معاملات هنگفتی را به راه اندازند. فکر می شود که ایجاد زیرساختها اساسی باشد که دستور کار مودی بر آن ابتنا یافته باشد. مودی در قسمت این دستور عمل انکشافی که با بوق و کرنا در موردش تبلیغ می کند، در درون هند با انتقادات و پیرانگری مواجه است. به کمک همین پروژه که تا اکنون تحقق نیافته است، او توانست در انتخابات ماه اپریل ۲۰۱۴، آرا زیادی را به دست آورد. «تاپی» فرصتهای بلاوقفه را برای آغاز ضربتی یک برنامه انکشاف زیرساختهای هند فراهم می سازد.

«تاپی» قشنگترین شگوفه پروسه قلب آسیا از زمان آغاز آن در نومبر سال ۲۰۱۱ به اینسو است. اما زندگی یک امر واقعی است و همه شگوفه ها میوه بار نمی آورند. این بیشتر وابسته به منصور و مودی است.

کسی می بایست فوراً اثبات کند که ملا منصور هنوز زنده است، در غیر آن چشم انداز یک آغاز زود هنگام گفت و گوهای صلح به عقب می افتد و دوستی نوبنیاد بین غنی و شریف یک بار دیگر در جا متوقف می گردد و یک بار دیگر به میدان جنگ مبدل می شود. به عبارت دیگر، در نبود یک راه حل برای افغانستان، پروژه «تاپی» یک خیال واهی باقی می ماند.

همینطور، مودی کشور بسیار متفرق هند را رهبری می کند که امروز در آنجا در مورد هیچ مشی سیاسی بزرگ وفاق ملی وجود ندارد. مودی نیاز دارد تا آن مراجع مذهبی متعصب هندو را مهار بزند که مخالف گفت و گو با پاکستان اند. آخرین اقدام وی در مورد پاکستان با کدام اقدام موازی جهت تعدیل ذهنیت جناح ناسیونالیست هندو همراه نبوده است که جانبدار عدم تغییر مثبت در مناسبات اسلام آباد و دهلی جدید می باشند و از قضا متحدان طبیعی مودی در سیاست هند به شمار می روند.